

چلو صاف حکومت وحدت ملی از آب برآمد

این پول ها چگونه و از کجا بدست آمده است؟؟؟ ، قضاوت باشما!

قسمت اول (استاد صباح)



گروپی از سوهایی دیگر آمد
سلاحداران به چور کشور آمد
همی گفتند وطن ، مردم و دولت
چلو صاف همه از او بر آمد .

از ابتدا نیز از دحام زاید در حکومت نصفانصف و سهمیه بندی شده موسوم به دولت وحدت ملی (وحشت ملی) به زعم بسیاری مغایر و مخالف محض قانون اساسی و سیستم حکومتی کشور بود اما مهلت دوساله ای برای گنجاندن تحولات و اصلاحات در نظر گرفته شد تا شاید عبدالله، محمد خان و محقق بتوانند خود را اثبات نمایند. چند صباحی بیشتر به ختم این دوره ی دوساله باقی نمانده است اما متأسفانه دارو دسته ی چوکی پرستان تفنگدار گردآمده در قصر سیدار چنان در انفعال و بیکاره گی و وقت گذرانی و حیف و میل خود غرق شده اند که حتی از روی فراغت به شرکت در مراسم سخیف و غیر ضروری روی می آورند و به عبارتی تن به حقارت می دهند.

حکومت وحدت ملی برخلاف قانون اساسی و بر اساس مصلحت ها شکل گرفت. تفاهم نامه سیاسی خلاف قانون اساسی بود. انتخابات برای این است که یک حزب برنده و یک حزب بازنده باشد. این بر اساس مصلحت ها کار کردن، باعث شد که کار به کشمکش و اختلاف کشانده شود و دو گروه کشور را به این اوضاع نا به سامان رهنمون کنند. در تمام سطوح دولت تمام تشکیلات اداری و سیاسی افغانستان به پنجاه درصد تقسیم شده است و به این ترتیب است که وحدت ملی مفهوم خود را در این حکومت از دست داده است.

جامعه فقیر و فلاکت زده ما، از فقر گسترده، بی کاری و فساد، سالیان متمادی و طولانی را رنج برده و در میان شعله های سوزان فقر و ناتوانی، دست و پا می زنند. حاکمان بی تدبیر و کم خرد گذشته برای بهروزی و بهبودی اقتصادی کشور، فاقد استراتژی اقتصادی و توسعه رفاهی بودند. طرح و پلانی برای رفع این زخم مزمن و کلان نداشتند و در قبال دردها و رنج های این مردم احساس مسوولیت نکرده و پاسخگو نبودند. فقط در اندیشه قدرت، ثروت و چپاول کرسی و مقام خویش بودند. دولت وحدت ملی، علیرغم شعار مبارزه با فقر و بی کاری در هنگام انتخابات، نیز تا هنوز قدمی برای این خلا برنداشته و نیز طرح و برنامه ای برای رفع فقر و بی کاری ملی ندارد و در بعد اشتغال زایی و بهبودی اقتصادی مردم ناکام بوده است. فقدان کار، کاریابی، رفاه سبب مهاجرت های گروهی جوانان این کشور، به سمت کشورهای خارجی

به‌خصوص کشورهای اروپای و غربی گردیده است. از این‌رو؛ دولت وحدت ملی در عرصه اقتصادی و رفاهی نیز دچار بحران کارآمدی می‌باشد.

دولت وحدت ملی، با امکانات ملی و فرصت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای رشد و پیشرفت کشور داشت و می‌توانست در راستای تحقق و عملی کردن استراتژی کلان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گام‌های ماندگاری بردارد. تقریباً بعد از گذشت نزدیک به دوسال در همه بخش‌ها ناکام و ناموفق بوده و به اهداف از پیش تعیین‌شده نایل نگردید. موفقیت، رشد و پیشرفت در مسیر تحقق برنامه‌های ملی نداشته و دچار ناکارآمدی و عدم کارایی گردیده و این ناکارآمدی، دولت را با کاهش و ریزش مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی مواجه ساخته است. چون‌که دولت کارایی و تاثیرگذاری مثبت و سازنده در ابعاد سیاسی، اجتماعی، نظامی، امنیتی و... ندارد، زمینه‌ای از هم‌پاشیدگی مشروعیت سیاسی خود را فراهم کرده است و بر جامعه نخبه و فرهیخته ک شور و خود ملت است که برای بدیل‌سازی این دولت، چاره و تدبیری ببینند.

رییس اجرایی و دیگر مشاوران و معاونان و مباشران تیم اصلاحات و همگرایی به زودی و با اتمام مهلت دوساله برای تطبیق مقام ریاست اجرایی بعنوان نخست وزیر یا به مثابه ی صدراعظم در قانون اساسی، پایان می یابد؛ عبدالله مشغول وقت‌گذرانی است. از ابتدا نیز از دحام زاید در حکومت نصفانصف و سهمیه بندی شده موسوم به دولت وحدت ملی به زعم بسیاری مغایر و مخالف محض قانون اساسی و سیستم حکومتی کشور بود اما مهلت دوساله ای برای گنجاندن تحولات و اصلاحات در نظر گرفته شد تا شاید عبدالله، محمد خان و محقق بتوانند خود را اثبات نمایند.

چند صباحی بیشتر به ختم این دوره ی دوساله باقی نمانده است اما متأسفانه دار و دسته ی تیم اصلاحات و همگرایی گردآمده در قصر سپیدار چنان در انفعال و بی‌کاره گی و وقت‌گذرانی و حیف و میل خود غرق شده اند که حتی از روی فراغت به شرکت در مراسم سخیف و غیرضروری روی می آورند و به عبارتی تن به حقارت می دهند.

بیشمار مساله و معضل امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گریبانگیر جامعه و مردم ملکی افغانستان است ولی عبدالله و محقق و دیگر ارگ نشینان امور مملکتی را تماماً به تیم تحول و تداوم و دار و دسته ی اشرف غنی واگذار کرده اند و گاه و بیگاه در گردهمایی های بی ارزشی همچون جشن آزادی امریکا همراه با فرماندهان و مستشاران این کشور و نیز جشن روز ملی فرانسه در سفارت کابل شرکت می نمایند. برآستی باید پرسید آیا قصر سپیدار و حتی برخی ارگ نشینان دیگر و افراد رده بالای حکومتی قدرت تشخیص و تمیز اهمیت و اولویت بندی امور خود را ندارند، در شرایطی که بسیاری ولایات و ارگان های حکومتی با سرپرست اداره می شوند و به تبع آن اقتصاد و عمران و امنیت رو به نزول است؛ در چنین مراسم هایی حضور می یابند؟

دارایی سید سعادت منصور نادری



« این داروندار که ثبت اداره دولت گردیده همه دارایی خانواده نادری نیست . میلیاردها دالر ثروت وی و فامیلش هنوز تحریر نگردیده است . این دارایی هاشامل ده هاهزار جریب زمین های زراعتی دوفصله (گندم و برینج) و یک فصله ، دردوشی ، رباط ، دهن کیان، لختوغی، دره کیان و مجموع دره نیکی و دهنه غوری، تاتار، چهاردار، دره اسکار،

قصر و بلدنگه‌های ، یلخمری ، بلخ ، تاشکند، دره کیان، یغمان ،شهر کابل و... «شرکتهای تجارتي میگردد.

به وطن بیسودان سردبیراند

هزاران پیاده دربست وزیراند

ریس و مدیر و چند دخت زیبا

همه درگرد و بره‌های وزیراند .

دارایی سید سعادت، پسر سید منصور نادری کسی که مردمان فقیر اسماعیلیه بخش از نان خانواده اش را به اینها می دهد. دارایی‌های سعادت منصور نادری وزیر شهرسازی و مسکن . سید سعادت نادری متولد ۳ مارچ ۱۹۷۷ در ولسوالی دوشی ولایت بغلان است و لیسانس اقتصاد و تجارت دارد. او از سال ۲۰۰۵ برای ده سال رییس SMN Investment بوده است. دارایی‌های منقول:

الف، پول نقد موجود: منصور نادری ۱۷ میلیون دالرنقد دارد و خانمش نیز ۲ میلیون. ب، پول نقد موجود در بانک‌های داخل و خارج: نادری یک حساب بانکی در کابل بانک - افغانستان- دارد و دو حساب بانکی در انگلستان که یکی با خانمش مشترک است و دیگری به نام خانمش می‌باشد، و همچنان یک حساب بانکی HSBC بانک در دبی. هرچند که در فورم ثبت دارایی‌ها ۱۹ میلیون دالر پول نقد ثبت کرده است، اما تفکیک نکرده است که آیا این پول در این حساب‌های بانکی است یا خیر. ج، اشیاء و زیورات: ساعت، طلا و زیورات به نام سعادت منصور نادری به ارزش سه میلیون دالر و ساعت، طلا و زیورات به نام خانم نادری به ارزش چهار و نیم میلیون دالر در فورم درج شده است. د، وسایط نقلیه: ۸ عراده موتر با قیمت مجموعی ۹۷۰ هزار دالر امریکایی درج فورم شده است. یک عراده موتر لندکروز دیگر هم درج شماره نهم این بخش فورم است اما قیمت آن در فورم مشخص نیست. و، مواشی: ۱۰۰ رأس گاو به ارزش سه میلیون افغانی در دره‌ی کیان ولایت بغلان، ۵۰۰۰ رأس گوسفند در همان منطقه به ارزش ۳۵ میلیون افغانی و ۲۵۰۰ رأس بز در همان منطقه به ارزش ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار افغانی. دارایی‌های غیر منقول:

الف، املاک شخصی: کلوپ دوشی در بغلان به ارزش ۵۰۰ هزار دالر، سرای در پل محمود خان به ارزش سه میلیون دالر، سرای در ترمخیل به ارزش دو میلیون دالر، باغ در قرغه به ارزش ۱۲ میلیون دالر، خانه‌ی مسکونی در لندن به ارزش ۵۰ میلیون دالر، خانه‌ی مسکونی در دبی به ارزش ۱۵ میلیون دالر، خانه‌ی مسکونی در قبرس به ارزش دو میلیون و ۵۰۰ هزار دالر و یک آپارتمان تجارتي در لندن به ارزش ۲۰ میلیون دالر. ب، املاک موروثی و غیر موروثی: تعمیر کتابخانه‌ی ناصر خسرو در کابل به ارزش ۱۶ میلیون دالر، فابریکه‌ی شیرین بویه در مزار شریف به ارزش پنج میلیون دالر و باغ در قرغه‌ی کابل به ارزش سه میلیون دالر. مالک ۵۱ درصد سهام شرکت بیمه ICA با سرمایه‌ی مجموعی دو میلیون دالر، مالک ۵۱ درصد سهام شرکت افغان گولد - مالک ۹۰ درصد سهام فاینست با سرمایه‌ی مجموعی ۱۰ میلیون دالر، مالک ۵۱ درصد سهام فابریکه‌ی شیرین بویه در مزار با سرمایه‌ی مجموعی یک میلیون دالر. عایدات: معاش ماهوار از وظیفه‌ی رسمی ۱۴۷ هزار افغانی و ۱۵۰ هزار دالر از عاید ملکیت‌های غیر منقول. ۸۹۰ هزار دالر عاید ماهانه‌ی خانم نادری از فعالیت‌های اقتصادی و تجارت. مصارف:

الف، مصارف تعلیم و آموزش: مجموع هزینه‌ی تحصیلی سالانه سه فرزند نادری که در دبی مصروف تعلیم و تحصیل هستند ۹۰ هزار دالر درج فورم شده است. ب، مصارف امور معیشتی: ۱۲۰ هزار دالر مصارف ماهوار خانواده‌ی وزیر شهرسازی و مسکن می‌باشد که از درک تجارت تمویل می‌شود. تحایف نگرفته و مقروضیت ندارد.

